

جلد اول

www.ketab.ir

وارستند

چهار عارف وارسته



ناشر: نگاه آشنا
مؤلف: جابر رضوانی
محرران: مصطفی و صفحه آرانی: م. میر معصومی
تألیف: چاپ: اول / ۱۳۹۳
شماره: ۵۰۰ دوره
طرح: مصطفی محمدی
ناظر چاپ: ندا کاووشی / یغانه سلیمان زاده
قیمت دوره: ۴۰۰۰۰ تومان



سرشناسه: رضوانی، جابر، ۱۳۵۰.
عنوان و نام پدیدآور: چهل عارف وارسته، تألیف جابر رضوانی، جلد اول
مشخصات نشر: قم: نگاه آشنا.
مشخصات ظاهری: ۲ جلد
جلد اول: ۶۹۳ صفحه. / شابک جلد اول: ۲-۴۴-۵۴۱۶-۰۵۱۶-۶۰۰-۹۷۸
وضعیت: فهرست نویسی فیبا
یادداشت: کتابنامه به صورت زیر نویس.
موضوع: عارفان -- سرگذشتنامه.
موضوع: مجتهدان و علما -- سرگذشتنامه.
رده بندی کنگره: BP ۳۷۸ / ر ۶ ج ۹ / ۱۳۹۳.
رده بندی دیویی: ۲۹۷ / ۸۹۲ -- شماره کتابشناسی ملی: ۳۴۹۸۶۰۱

مراکز پخش

قم، خیابان معلم، مجتمع ناشران، طبقه اول. پ ۱۵۳
تلفن: ۳۷۷۳۴۹۳۹ / ۳۷۸۴۲۶۹۴ - ۲۵۰

تهران: میدان انقلاب، خ و حید نظری بن بست قرآنه پ ۷، واحد ۱
پخش برگ طلایی / تلفن: ۶۶۴۷۶۶۵۱ - ۶۶۴۱۶۷۲۸ - ۶۶۴۷۶۵۳۷ - ۲۱۰

کلیه حقوق این اثر متعلق به نشر نگاه آشنا می باشد.

فهرست اجمالی

۷	 مقدمه
۲۱	 حضرت امام خمینی رحمته الله
۹۹	 آیت الله بهجت رحمته الله
۱۸۷	 آیت الله گنبدی همدانی رحمته الله
۱۹۵	 میرزا محمد علی شاه آبادی رحمته الله
۲۳۵	 آیت الله محمد کوهستانی رحمته الله
۲۷۵	 شیخ محمد بهاری رحمته الله
۳۰۹	 میرزا علی اکبر مرندی رحمته الله
۳۳۳	 ملا علی معصومی همدانی رحمته الله
۳۶۱	 آیت الله بیدآبادی رحمته الله
۳۸۷	 شیخ حبیب الله گلپایگانی رحمته الله

- ۳۹۳ محمدتقی آقا نجفی اصفهانی رحمته الله
- ۴۱۹ عبدالکریم حق شناس رحمته الله
- ۴۵۷ حاج شیخ ابوالقاسم قمی رحمته الله
- ۴۷۷ سید علی قاضی رحمته الله
- ۵۴۳ شیخ عباس قوچانی رحمته الله
- ۵۵۷ ملا محمد کاشی رحمته الله
- ۵۷۷ سید جمال الدین گلپایگانی رحمته الله
- ۶۱۱ جهانگیر خان قشقایی رحمته الله
- ۶۲۵ شیخ علی سماعت پرور رحمته الله
- ۶۵۵ ملا قلی جولای درفوازی رحمته الله

- ۳۹۳ محمدتقی آقا نجفی اصفهانی رحمته الله
- ۴۱۹ عبدالکریم حق شناس رحمته الله
- ۴۵۷ حاج شیخ ابوالقاسم قمی رحمته الله
- ۴۷۷ سید علی قاضی رحمته الله
- ۵۴۳ شیخ عباس قوچانی رحمته الله
- ۵۵۷ ملا محمد کاشی رحمته الله
- ۵۷۷ سید جمال الدین گلپایگانی رحمته الله
- ۶۱۱ جهانگیرخان قشقایی رحمته الله
- ۶۲۵ شیخ علی سعادت یور رحمته الله
- ۶۵۵ ملاقلی جولای ذفیری رحمته الله



عرفان‌های جعلی

جامعه جهانی امروز ما تشنه معنویات است. جامعه‌ای که سراسرش را تاریکی و ظلمت بر اثر نافرمانی از خداوند و مصلحت و ظلم و ستم فرا گرفته اگر نور الهی گر چه قلبی در گوشه‌ای نورافشانی کند، طالبان نور را بسوی خود می‌کشاند و لذا بر چراغ بدستان حقیقی است که علاوه بر نورافشانی کردن نورهای قلبی را از نورهای حقیقی و واقعی باز شناسانند تا ره‌جویان حقیقت با نورهای قلبی در چاه نیفتند. مقام معظم رهبری می‌فرمایند:

«در میان جوان‌های ما می‌بینید، اقبال به این عرفان‌های جعلی و مصنوعی و وارداتی و واقعا چرند را. مثل این است که فرض کنید شما کاسه بلورین یا کاسه چینی نقاشی شده فاخر را مقایسه کنید با کاسه پلاستیکی. به همان شکل است. آن هم کاسه است، آن هم ممکن است نقش نگاری داشته باشد اما این کجا و آن کجا؟! می‌بینید اقبال جوان‌ها به این چیزها را. هر گوشه یک شخصی

عَلَمی به پا کرد، یک عده دورش جمع می‌شوند. این نشان دهنده این است که این تشنگی وجود دارد امروز. این تشنگی را باید با آب زلال برطرف کرد. ما چنانچه آب گل آلود یا آب مسموم هم بدهیم، این تشنگی برطرف خواهد شد اما با چی؟! نباید بگذاریم این تشنگی، این عطشی که وجود دارد با این آب‌های مسموم، گل آلود، متعفن برطرف بشود. باید این تشنگی بماند و با آب زلال و گوارا، عرفان حقیقی و معنوی بر طرف بشود.^۱

آن بزرگوار در بیاناتی دیگر برای نمونه ضمن الگو معرفی کردن چراغ بدستان حقیقی می‌فرمایند:

«اگر با استفاده از آثار و برکات وجودی ایشان (شیخ محمد بهاری) در جامعه ما بخصوص در این اوان که جوانان ما میل به معنویت و مسایل عرفانی و معنوی زیاد دارند، جریان‌های صحیح و صراط مستقیمی که مرحوم بهاری آن را به ما نشان دادند، جلوی پای افراد قرار بگیرد، گرایش به این عرفان‌های دروغین و سلسله‌های عجیب و غریب و انحطاط و مغشوش پیش نمی‌آید. مرحوم آقای حاج شیخ محمد بهاری رضوان الله علیه شخصیت خیلی برجسته‌ای است. ایشان هم فقیه بزرگی هستند هم عارفند. عرفان ایشان از نوع این عرفان‌های خاتقاهی و این چیزها مطلقاً نیست و با اینها مخالفند. لکن ذوق، و جد حال و بهجت معنوی در پرتو استفاده از کتاب و سنت و از روش معصومین علیهم‌السلام این شاخصه عمده راهی است که این بزرگواران طی کرده‌اند که

۱ - بیانات مقام معظم رهبری در کنگره بزرگداشت میرزا جواد آقا ملکی تبریزی

البته ایشان شاگرد مرحوم آخوند ملاحسینقلی همدانی هستند که آن بزرگوار شاخص این سلسله است.^۱

ضرورت استاد

عرفان در همه زمان‌ها مانند چاقویی در دست افراد بوده که عده‌ای با آن روح و روان طالبان را دریده و از هم پاشیده است. در آن قسمت که باید عمل جراحی نماید چون طبیبی ناوارد چاقوی هدایتش را در غیر محل مورد نیاز فرو برده که نه تنها جواب نداده بلکه سلامتی روحی طالب را که اگر به حال خود رها می‌شد لنگان لنگان طی مسیر می‌کرد را نیز از او گرفته و به ورطه هلاکت رسانده است.

و در مقابل افراد معدودی بودند و هستند که نه تنها طبیبی حاذق و کار کشته هستند و پله‌های مسیر بسوی معبود را خود پیموده و حال برگشته عده‌ای را نیز با خود می‌برد. چون خود را رفته است و به تمام پستی و بلندی‌های راه آشناست لذا خیلی راحت و با اطمینان دیگر افراد را گرفته و با خود می‌برد و به مقصد که همانا رسیدن به توحید است می‌رساند که نام شریف عده‌ای از آنها در این مختصر آمده است.

پس کسی که می‌خواهد در وادی سیر و سلوک قدم بگذارد اولاً بدون استاد و راهنما در این مسیر قدم گذاشتن به هلاکت افتادن است و ثانیاً هستند افراد زیادی که در مسیر سیر و سلوک و عرفان دکان‌های پر زرق و برقی از برای فروش اجناس نفسانی خود به پا کرده‌اند که هر بیننده‌ای را بسوی خود فرا می‌خواند که اینها دزدان دین و ایمان شخص سالک می‌باشند.

حضرت امام خمینی رحمته الله علیه درباره لزوم وجود طبیب روحانی می‌فرماید:

«به فکر باشید، در زمینه تهذیب و تزکیه نفس و اصلاح اخلاق برنامه تنظیم کنید، استاد اخلاق برای خود معین نمائید، جلسه وعظ و خطابه و پند و نصیحت تشکیل دهید. خودرو نمی‌توان مهذب شد. چطور شد علم فقه و اصول به مدرس نیاز دارد، درس و بحث می‌خواهد، برای هر علم و صنعتی در دنیا استاد و مدرس لازم است، کسی خودرو و خودسر در رشته‌ای متخصص نمی‌گردد، فقیه و عالم نمی‌شود، لکن علوم معنوی و اخلاقی که هدف بعثت انبیاء و از لطیف‌ترین و دقیق‌ترین علوم است به تعلیم و تعلم نیازی ندارد و خودرو و بدون معلم حاصل می‌گردد؟»^۱

استاد فاطمی‌نیا - گفته «آه» - می‌فرماید:

«بلی عده‌ای هستند که به نام عرفا برای خود دکانی باز کرده‌اند. این عرفان نیست. کسی که عرفان داشته باشد، افتا کی پیدا می‌کند. عرفان، انسان را آزاد می‌کند. عارف، از اسارت هوای نفس و جاه طلبی بیرون می‌آید. آیت‌الله سید علی قاضی، آیت‌الله ملکی تبریزی، علامه طباطبائی و امثال این بزرگان دارای عرفان بوده‌اند. از عرفای حقیقی نباید فرار کرد؛ در دام مدعیان دروغین عرفان هم نباید گرفتار شد. البته تشخیص عرفان صحیح از غیر آن، کار هر کسی نیست. ریشه و مبدا عرفان صحیح، قرآن و نهج‌البلاغه و صحیفه‌ی سجاده می‌باشد. در آیات و روایات، عمیق‌ترین معارف و حقایق عرفانی وجود دارد...»^۲

۱ - درسهایی از امام خمینی (ولایت فقیه - جهاد اکبر)، ص ۲۴۶

۲ - نکته‌ها از گفته‌ها، دفتر دوم، ص ۶۰

خطرات سیر و سلوک

کسی که قدم در این وادی می‌گذارد علاوه بر خطرات بیرونی خطراتی نیز از درون او را تهدید می‌کند که اگر واقف به این خطرات نباشد نیز در مسیر خود در جا می‌زند و چه بسا نه تنها پیشرفتی نمی‌کند بلکه پسرفت می‌کند. حضرت علامه محمدتقی جعفری موانعی که در مسیر سیر و سلوک قرار دارد را بیان داشته و می‌فرماید:

۱. سالک در هیچ لحظه‌ای از لحظات حرکت خود، نباید احساس وصول یا امتیاز برتری کند، اگر چنین آفتی گریبان سالک را بگیرد، نه تنها از حرکت به مراحل بعد باز خواهد ماند، بلکه نفس کمال‌جویی او به قهقرا خواهد رفت.

۲. اشتغالات و لایق‌دنبوی مانند ثروت‌اندوزی، مقام‌جویی، شهرت‌طلبی و محبوبیت‌خواهی میان مردم را دور تباه‌کننده سیر و سلوک‌اند، البته اگر ثروت و مقام وسیله‌ای جهت تنظیم حیات خود و دیگران باشد، نه تنها مانع ره کمال نخواهد بود، بلکه به خاطر مشقت‌هایی که سالک در این مسیر تحمل می‌کند، عبادت تلقی خواهد شد.

۳. اشباع حس خودخواهی به هر شکل و با هر وسیله مانع نیرومندی برای سیر و سلوک است. ادعای تزکیه نیز سد راه کمال است. برخی ادعای تزکیه را به عنوان بیان واقعیت، ناشی از خودخواهی نمی‌دانند، اما عرفای بزرگ این مطلب را نمی‌پذیرند، زیرا همه عظمت‌ها و امتیازات سالک، از الطاف الهی است و استناد آن‌ها به خود، نوعی شرک محسوب می‌شود.

۴. شکوفایی‌ها و روشنایی‌های خیره‌کننده که در حالات عرفانی برای سالک حاصل می‌شود، از دیگر موانع سیر و سلوک است. برخی از اهل سلوک با بروز این حالات لذت‌بار، خود را گم می‌کنند و این حالات را آخرین

منزلگاه کمال تلقی می‌کنند، در حالی که این حالات فقط برای تشویق و تحریک سالک جهت ادامه راه است.

۵. به فعلیت رسیدن قدرت‌های شگفت‌انگیز، نظیر اطلاع از دل‌ها، امور مخفی، اخبار گذشته و آینده، تصرف در امور مادی و نفوس، گاه سالک را از کمال باز می‌دارد. سالک باید بداند که هدف وی وصول به حق است، نه تحقق کرامات، وصول به لقای الهی برتر و با عظمت‌تر از کشف و کرامات است.

۶. حالت آرامش و آزادی مطلق و اشراف بر عالم هستی از عظمت‌های شگفت‌انگیز روح است، که اگر سالک آن را از خود بداند، ممکن است از عظمت روح خود غفلت کرده، ادعای انال‌الحق کند.

۷. احساس شکوفایی و استیلا روح، نشانه ورود به جاذبه الهی و تجلی صفات حق تعالی بر دل سالک است. سالک باید مراقب باشد که این احساس سد راه کمال او نشود.^۱

تفاوت عرفان عملی و نظری

عرفان نظری نیز علمی عمیق و خطرناک است که بدون آمادگی و استاد قدم گذاشتن در آن نیز بس مسیری است سخت و خطرناک.

همانطور که از اسم این دو اصطلاح (عرفان نظری و عرفان عملی) مشخص است این دو با هم فرق دارد چرا که امکان این هست که کسی در عرفان نظری (یعنی فقط در قالب اصطلاحات) صاحب نظر باشد اما قدمی در مسیر عرفانی نگذاشته باشد و بر عکس آن هم صادق است که هستند افرادی که هاز

اصطلاحات عرفانی نظری چیزی نمی‌داند اما دارای مراتب عالی عرفان عملی می‌باشند که استاد فاطمی نیا می‌فرماید:

«عرفان نظری، علم بسیار عمیق و غامضی است. مطالب در آن بسیار لطیف و ظریف می‌شود؛ و فهمیدن آن، مقدمات فراوانی می‌خواهد که کار هر کسی نیست.

نکته‌ی مهم این است که: بین عرفان نظری و عرفان عملی، هیچ ملازمه‌ای نیست. من کسی را می‌شناختم که غرق در عرفان عملی بود و اهل کشف و شهود بود؛ و یک کلمه هم عرفان نظری نخوانده بود. و از طرفی هم افرادی بودند که استاد در عرفان نظری بودند؛ ولی اهل هیچ حال و شهود و عرفان عملی نبودند!»^۱

ضرورت عرفان عملی

ضرورت عرفان عملی و تهذیب نفس در جامعه‌ای که دغل و دروغ فراگیر شده و در آنی در همه جا - بوسیله وسائل ارتباط جمعی - پخش می‌گردد امری مورد تاکید است، خصوصاً از برای کسانی که می‌خواهند قدم در تبلیغ دین و آموزه‌های دینی نمایند باید از تهذیب و معنویات بهره ببرند، مقام معظم رهبری که خود در متن جامعه حضوری فعال دارند و به ریزه‌های اخلاقی جامعه آگاه هستند در این باره می‌فرمایند:

«مسئله دیگر در نظام رفتاری و اخلاقی حوزه‌ها، فیض بردن از معنویات است، تهذیب است؛ این خیلی مهم است. جوان امروز حوزه بیش از گذشته به مسئله تهذیب نیازمند است. کسانی که رشته رفتارشناسی عمومی را مطالعه

می‌کنند و کار می‌کنند، این را تأیید می‌کنند. امروز در همه‌ی دنیا اینجور است که وضع نظام مادی و فشار مادی و مادیت، جوانها را بی‌حوصله می‌کند؛ جوانها را افسرده می‌کند. در یک چنین وضعی، دستگیر جوانها، توجه به معنویت و اخلاق است. علت اینکه می‌بینید عرفانهای کاذب رشد پیدا می‌کنند و یک عده‌ای طرفشان می‌روند، همین است؛ نیاز هست. جوان ما در حوزه علمیه - جوان طلبه؛ چه دختر، چه پسر - نیازمند تهذیب است. ما قله‌های تهذیب داریم. در همین قم، مرحوم حاج میرزا جواد آقای ملکی تبریزی، مرحوم علامه طباطبائی، مرحوم آقای بهجت، مرحوم آقای بهاء الدینی (رضوان الله تعالی علیهم) قله‌های تهذیب در حوزه بودند. رفتار اینها، شناخت زندگی اینها، حرف‌های اینها، خودش یکی از شفا بخش‌ترین چیزهایی است که می‌تواند انسان را آرام کند؛ به انسان آرامش بدهد، روشنائی بدهد، دلها را نورانی کند. در نجف بزرگانی بودند؛ سلسله‌ای شاگردان مرحوم آخوند ملا حسینقلی تا مرحوم آقای قاضی و دیگران و دیگران؛ اینها بر جستگاندند. به نحله‌های فکری و عرفانی اینها هم کاری نداریم. در این مسئله مسئله‌ی نظری نیست. بعضی نحله‌های مختلفی هم داشتند. مرحوم سید مرتضی کشمیری (رضوان الله تعالی علیه) یکی از اساتید مرحوم حاج میرزا علی آقا قاضی است؛ اما نحله‌های فکری اینها بکلی از هم متفاوت است. ایشان از داشتن یک کتابی به شدت منع می‌کند، ایشان به آن کتاب عشق می‌ورزد؛ منافاتی ندارد. همین بزرگانی که در مشهد بودند، مردمانی بودند که ما اینها را به تقوا و طهارت و پاکیزگی شناختیم؛ مرحوم حاج میرزا جواد آقای تهرانی، مرحوم حاج شیخ مجتبی و امثال ایشان؛ اینها همین جورند. عمده این است که این دل زنگار

گرفته را یک زبان معنوی، یک سخن بر خاسته‌ی از دل شفا ببخشد و این زنگار را بر طرف کند. بنابراین ما اینجا بحث عرفانهای نظری را نداریم.^۱

عرفان گوشه‌نشینی نیست

عرفان به معنای گوشه‌نشینی و انزوا گزیدن نیست. شخص عارف در عین حال که در مسیر الهی قدم می‌گذارد از اجتماع و سیاست هم به دور نیست و در امورات اجتماعی و سیاسی نیز ورود پیدا می‌کند. حضرت امام خمینی (ره) درباره عرفان می‌فرماید:

«خیال کردند یک دسته زیادی که معنای عرفان عبارت از این است که انسان یک محلی پیدا شود و یک ذکر بگوید و یک سری حرکت بدهد و یک رقصی بکند و اینها، این معنی عرفان است. مرتبه اعلای عرفان را امام علی (علیه السلام) داشته است و هیچ این چیزها نبود در کار اهل بیت که کسی که عارف است باید دیگر بکلی کناره گیرد از دنیا و بیرون کناره بنشیند و یک قدری ذکر بگوید و یک قدری تغنی بشود و این قدری چه بکند و دکانداری. امیرالمومنین در عین حالی که اعرف خلق الله بعد از رسول الله در این امت، اعرف خلق الله به حق تعالی بود معذک نرفت کناره بنشیند و هیچ کاری به هیچی نداشته باشد، هیچ وقت هم حلقه ذکر نداشت، مشغول بود به کارهایش. یا خیال می‌شود که کسی که اهل سلوک است، اهل سلوک باید به مردم دیگر کار نداشته باشد، در شهر هر چه می‌خواهد بگذرد. من اهل سلوکم، بروم و یک گوشه‌ای بنشینم و ورد بگویم و سلوک به قول خودش پیدا کند

این سلوک در انبیاء زیادت‌تر از دیگران بوده است در اولیاء زیادت‌تر از دیگران بوده است لکن نرفتند در خانه شان بنشینند و بگویند ما اهل سلوکیم.^۱

جمع بندی و نتیجه‌گیری

پس با توجه به گرایش روز افزون جوانان به عرفان و معنویت ارائه الگوهای مناسب و معرفی مسلک‌ها و مشرب‌های غنی و ارزشمند در فرونشاندن عطش امروز جامعه امری بسیاری ضروری و لازم است، تا در دام عرفان‌های کذاب و نوظهور که مسیری جز انحرافی در پیش روی طالبان خود نمی‌گذارد نمی‌باشد.

مکتب و مشرب عرفانی علما و بزرگان دین دارای ویژگیهای مهمی است و امروزه می‌توان با معرفی درست این مشرب، مسلک تشنگان و شیفتگان عرفان را با بهره‌گیری از شیوه سیر و سلوک آنها بسط داد نمود. بعضی از ویژگیهای مکتب عرفانی عرفا عبارتند از:

۱. توجه و پایبندی به شریعت؛
۲. ترویج عرفان مثبت؛
۳. رعایت اعتدال در مبارزه با نفس؛
۴. مبتنی بودن سیر و سلوک بر تعالیم شرع انور؛
۵. مبارزه با مدعیان دروغین عرفان؛
۶. معرفی درست و دقیق منازل، مقامات و حالات عرفان؛
۷. معرفت نفس؛

این ویژگیها می‌تواند رهروان راه عرفان را از افراط و تفریط و بدآموزی‌های بعضی از جریانات مسموم برحذر داشته و با سیر و سلوک پیشوایان دین آشنا نماید.

حسن ختام

غرض از جمع‌آوری این کتاب معرفی انسان‌هائی پاک و خود ساخته که همه این بزرگواران از عالمان دین که علم و عمل^۱ را در وجود خود آراسته و الگوهای دینی و اسلامی اصیل را برای زندگی ماشینی امروزی که گرفتاران به آن، به همه چیز با دید مادی می‌نگرند ارائه داده‌اند. مطالعه زندگی‌نامه علمی و عرفانی این شخصیت‌های الهی به ما می‌آموزد که در همین دنیای تکنولوژی و پیشرفته که چیزی جز ماده را نمی‌بیند عالمی غیر از این عالم ماده نیز وجود داشته و می‌توان با وجود بودن و استفاده کردن از امکانات این عالم مادیات عالم ورای طبیعت از مسیر درست و دینی و اسلامی ارتباط برقرار کرد. چرا که هر چه علم پیشرفت کند جزء مؤیدات آن عالم است و این ما هستیم که بین این دو عالم جدائی می‌اندازیم و خودمان را با دست خویش به هلاکت می‌رسانیم.

باید زندگی‌نامه بزرگان را نوشت، آنها را خواند و درس زندگی گرفت تا مسیری که آنها برای خودسازی رفته‌اند با دیدی بازتر و خطری کم‌تر طی نمود که نوشتن و خواندن زندگی‌نامه بزرگان دینی و خواندن آنها آنقدر در زندگی

۱ - در بین عارفان نام‌برده در کتاب فقط مولا قلی جولا در ظاهر از علما نیست ولی سلسله عرفا بعد از ایشان همگی به آن بزرگوار می‌رسد که از حضرت آیت‌الله سید علی شوشتری رحمته‌الله شروع می‌شود و بوسیله مولا حسینقلی همدانی و آیت‌الله سید علی قاضی و مرحوم آیت‌الله بهجت و ... رضوان الله تعالی علیهم اجمعین ادامه می‌یابد.

تاثیرگذار هست و از اهمیت بالائی برخوردار می باشد که نبی مکرم اسلام ﷺ می فرماید:

«من ورّخ مومنّاً فکانما احیاء»^۱ و من قرا تاریخه فکانما زاره»^۲

هر کس زندگی نامه مؤمنی را بنویسد مانند آن است که او را زنده کرده است؛ و هر کس آن را مطالعه نماید مانند این است که او را زیارت کرده است. و محب الدین طبری در کتاب «تحقیق الصفا» از آن حضرت روایت می کند که فرمود:

«ان من ورّخ مومنّاً فضلاً عن عالم عامل فکانما احیاء، و من احیی مومنّاً فکانما احیی الناس جميعاً»^۳

همانا هر کس زندگی نامه مؤمنی را خصوصاً که دانشمندی عامل را بنویسد مانند این است که او را زنده کرده است و هر کس مؤمنی را زنده کند مانند این است که همه ی مردم را زنده نموده است. امید آن داریم که این دو روایت شریف شامل حال راقم این سطور و خوانندگان عزیز و گرامی باشد؛ دست به دعا برمی داریم و به درگاه الهی استغاثه می نمایم که به ما نیز توفیق بندگی خالص و یافتن مسیر درست و بدون خَس و خاشاک را نشانمان بدهد و از روح این بزرگواران استمداد می طلبیم که دست ما را نیز بگیرند و از لجنزار دنیا نجاتمان بدهند که:

ای مبدل کرده خاکی را به زر

خاک دیگر را بکرده بو البشر

۱ - کشف الظنون، ج ۱، ص ۳؛ مستدرک سفینه البحار، ج ۱۰، ص ۲۷۸

۲ - موسوعه عبدالله بن عباس، ج ۱، ص ۱۰

۳ - موسوعه عبدالله بن عباس، ج ۱، ص ۱۰

کار تو تبدیل اعیان و عطا
 کار من سهو است و نسیان و خطا
 سهو و نسیان را مبدل کن به علم
 من همه خلغم مرا کن صبر و حلم
 ای که خاک شوره را تو نان کنی
 وی که نان مرده را تو جان کنی
 ای که جان خیره را رهبر کنی
 وی که بی‌ره را تو پیغمبر کنی
 ای کنی جزو زمین را آسمان
 ای کنی از زمین از اختران

ای رب الارباب، ای خالق افلاک ای زنده کننده جان‌ها، ای دست‌گیر کننده
 افتادگان، ای عزیز کننده ذلیلان، ای ذلیل کننده عزیزان، ای آبرو دهنده
 آبرومندان، دست ما را نیز بگیر که ما همچون مرغی پرنده هستیم که در زمین
 جا مانده‌ایم و یارای پرواز کردن نیستیم، ره گم کرده‌ایم و همدم مرغان خانه
 شده‌ایم که:

در سیاهی زنگ از آن آسوده است
 کو ز زاد و اصل زنگی بوده است
 آن که روزی شاهد و خوش رو بود
 گر سیه گردد تدارک جو بود
 مرغ پرنده چو ماند در زمین
 باشد اندر غصه و درد و حنین
 مرغ خانه بر زمین خوش می‌رود
 دانه چین و شاد و شاطر می‌دود

ز آنکه او از اصل بی پرواز بود

و آن دگر پرنده و پرواز بود

با دلی پر خون و چشمی اشکبار و ذهنی آشفته و گردنی کج و زبان گویا به
 «لا اله الا الله» که هیچ معبودی جز تو نیست و دست یاریمان بسوی توست
 دستان را ناامید مگردان به حق مقربان درگاهت و به حق فاطمه و ابیها و
 بعلها و بنیها و السّر المستودع فیها بعدد ما أحاط به علمك.

روز ولادت نبی مکرم اسلام ﷺ و صادق آل محمد علیهم السلام

مورخه ۱۳۹۲/۱۰/۲۹

مطابق با ۱۷/ ربیع الاول / ۱۴۳۵

جابر رضوانی / شرمه‌س قم

www.ketab.ir